

امام غایب (عج) از نگاه هانری کربن



برای اینکه خوانندگان به اهمیت وجود امام غایب در جهان بینی تشیع پی برند، به نقل قول پروفیسور هانری کربن - مستشرق فرانسوی - در ملاقاتی که با علامه طباطبائی داشته، می پردازیم:

برای اینکه خوانندگان به اهمیت وجود امام غایب در جهان بینی تشیع پی برند، به نقل قول پروفیسور هانری کربن - مستشرق فرانسوی - در ملاقاتی که با علامه طباطبائی داشته، می پردازیم:

«به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است که رابطه هدایت الهیه را میان خدا و خلق، برای همیشه، نگهداشته و بطور استمرار و پیوستگی ولایت را زنده و پا برجای می دارد. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم - ختم شده می دارند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می داند. رابطه ای که از اتصال عالم انسانی به عالم الوهی کشف نماید، به واسطه دعوت های دینی قبل از موسی و دعوت موسی و عیسی و محمد - صلوات الله علیهم- و بعد از حضرت محمد، بواسطه ولایت و جانشینان وی (به عقیده شیعه) زنده بوده و هست و خواهد بود، او حقیقتی است زنده که هرگز نظر علمی نمی تواند او را از خرافات شمرده از لیست حقایق حذف نماید. آری تنها مذهب تشیع است که به زندگی این حقیقت، لباس دوام و استمرار پوشانیده و معتقد است که این حقیقت میان عالم انسانی و الوهی، برای همیشه، باقی و پا برجاست " یعنی با اعتقاد به امام حی غایب».

کربن، اعتقاد به مهدویت را در تفکر شیعه، عامل حیات و پویایی جوامع شیعی می دانست. وی در آثار خویش، خود را معنوی می دانست و در بحث از تشیع بزرگان عرفان همچون اسفرائینی، علاءالدوله سمنانی و غیره، با تعقیب و اعتقاد راسخ آنان را شیعه می دانست. درباره تشیع خود کربن، از علامه طباطبائی چنین نقل شده است: در تهران جلسه داشتم با مهمان بزرگواری به نام «هانری کربن» که فرانسوی، مسلمان و امامیه بود. از زبان مترجمش اظهار داشت که مسلمانم و شیعه اثنی عشری هستم و به سر امامیه اعتقاد دارم. پرسیدم؛ آیا تبار و دودمان آقا در پاریس از طایفه ی امامیه اند؟ در جوابم گفت: خیر من با مطالعه کتب ادیان و مذاهب و ملل و نحل و تحقیقات شخصی خودم به دین اسلام رسیدم و مسلمان شدم و از اسلام به امامیه و مذهب جعفری که حتی به سر امامیه هم معترف و معتقدم.

پرسیدم: مرادش از سر امامیه چیست؟ در پاسخم گفت: وجود امام زمان، مهدی موعود (عج) به عقیده کربن، مفهوم ولایت در این دوران طولانی انتظار، همان هدایت ارشادی امام است که «اسرار» اصول عقاید را می آموزد. این مفهوم از سوئی، شامل مفهوم معرفت است و از سوی دیگر، واجد معنای محبت؛ یعنی معرفتی که فی نفسه متمرکز و نیرومند است.

کربن در بخشی از کتاب تاریخ فلسفه اسلامی ضمن نقل روایتی مشهور از پیامبر اکرم (ص) که می گوید: اگر تنها یک روز به پایان جهان باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چندان طولانی خواهد کرد تا مردی از ذریه من که نامش نام من و کنیه اش کنیه من خواهد بود، ظهور کند. او زمین را از هماهنگی و عدل پر خواهد ساخت چنان که تا آن هنگام از خشونت و جور پرشده است. به تفسیر این روایت پرداخته و می نویسد: روزی که چنین طولانی خواهد شد، زمان غیبت است و این حدیث صریح طنین خود را در همه قرون و در تمام مراتب شعور و ضمیر شیعه منعکس ساخته است.

کربن پس از اذعان به این نکته که امامان همه نور و حقیقت واحدی هستند که در دوازده شخص متمثل شده اند، می نویسد: وقتی نسبت لاهوت و ناسوت را در شخص امامان در نظر بگیریم، می بینیم مسأله به هیچ روی شبیه به اتحاد اقنومی در طبیعت نیست، امامان، ظهورات و تجلیات الهی هستند، قاموس فنی زبان، کلمات (ظهور و مظهر) را پیوسته به مقابله با عمل آیینی باز می گرداند، پس بدین گونه امامان هم چون ظهورالهی، بی هیچ کم و بیش «اسماء الله» می باشند و به این عنوان از دو مهلکه تشبیه و تعطیل مصونند2.

پی نوشت ها :

- 1- امین میرزایی، موعود، شماره چهاردهم.
 - 2- هانری، کربن، تاریخ فلسفه اسلامی، ترجمه اسدالله مبشری
- منبع: وبلاگ موعود جهانی